



نخستین رهبر اتحاد جماهیر شوروی دست‌به‌قلم‌بود

لنین که می نوشت

فهرست بلندبالایی از رهبران سیاسی وجود دارد که کتاب نوشته اند. شارل دوگل چندین کتاب درباره سیاست و جنگ نوشته است؛ وینستون چرچیل به عنوان نویسنده و تاریخ نگار، کتاب های مشهوری چون «تاریخ جنگ جهانی دوم» دارد، مهاتما گاندی آثار متعدد دی درباره فلسفه سیاسی و مقاومت خشونت پرهیزنوشته است. نلسون ماندلاکتاب خاطراتش بسیار مشهور است، باراک اوباما کتاب های پرפרوش بسیاری در حوزه خاطرات و سیاست نوشته است.

ولادیمیر ایلیچ لنین (درگذشته به ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴) هم، علاوه بر رهبری انقلاب روسیه، نویسنده پرکاری بود. آثار او شامل مقالات، کتاب هاوسخرانی های متعددی درزمینه های سیاسی،اقتصادی و فلسفی است. سبک نوشتاری لنین، مستقیم و پرشور است. هدف اصلی اوتبیین وترویج دیدگاه های مارکسیستی وبرنامه های انقلابی بود.ازمیان آثارلنین،«چه باید کرد؟»و«امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری»، از شهرت بیشتری برخوردارند.

«چه باید کرد؟» به خاطر تأثیر عمیقش بر سازمان دهی حزب بلشویک و استراتژی انقلابی اش مشهور است. این کتاب نقش حزب پیشرو و سازمان یافته را در هدایت انقلاب پرولتاریا مورد تأکید قرار می دهد. «امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری» به دلیل ارائه تفسیر و تحلیل لنین از امپریالیسم و نقش آن در تشدید تضاد های سرمایه داری و تسهیل وقوع انقلاب جهانی، مشهور است. این کتاب تأثیر درخورنوجهی بر تفکر چپ جهانی داشته است.

شهرت این دو اثر به دلیل تأثیرگذاری عمیق آن ها بر تاریخ و جنبش های سیاسی جهان وهمچنین ارائه دیدگاه های بنیادی درباره نظریه های مارکسیستی و تحلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی است.البته «دولت و انقلاب» هم به دلیل ارائه نظرات لنین درباره ماهیت دولت و گذار به سوسیالیسم اثر مهمی محسوب می شود، اما شاید به اندازه دو اثر قبلی به طور گسترده شناخته شده نباشد.

در روسیه، وضعیت چاپ آثار لنین پیچیده است؛ در حالی که آثار او به طور کامل ممنوع نیستند، میزان دسترسی و میزان انتشار آن ها نسبت به گذشته به طور قابل توجهی کاهش یافته است. نسخه های کلاسیک آثار لنین هنوز چاپ می شوند، اما به طور گسترده تبلیغ نمی شوند و در فروشگاه های کتاب به همان میزان کتاب های دیگر نویسندگان پیدا نمی شوند. علاوه بر این، تفسیرهای جدید از آثار لنین، به شدت تحت تأثیر دیدگاه های سیاسی حاکم قرار دارد.

تهیه و تنظیم: شهرآرا



انتشار آثاری دیگر از آخرین برنده نوبل ادبیات

مرور «درس های یونانی»

ترجمه رمان «درس های یونانی»، یکی از آثار هان کانگ، منتشر شد. در کلاس درسی در سئول، زنی جوان به استاد زبان یونانی خود نگاه می کند. زن سعی می کند حرف بزند، ولی صدایش را از دست داده است. استاد که به تدریج بینایی اش کم و کمتر می شود، هرروز بیشتر جذب این زن ساکت می گردد. به زودی، هر دو متوجه می شوند که دردی عمیق تر از بی صدایی و نابینایی آن ها را به هم نزدیک می کند.

رمان «درس های یونانی»، نوشته هان کانگ (برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۴)، داستان پیوند این دو نفر و نامه ای عاشقانه و لطیف از ارتباط و عواطف انسانی است، زمانی پیرامون لطف نجات دهنده زبان، عواطف و ارتباط انسانی است.

وقتی نامه هان کانگ را می شنویم، نخستین چیزی که به ذهنمان خطور می کند زبان منحصر به فرد و روایت های عمیق و انسانی اوست که مرزهای ملیت، زمان و فرهنگ را درمی نوردد. او در «درس های یونانی» ما را به دنیایی دعوت می کند که، در عین ملموس بودن، سرشار از لایه های پیچیده انسانی است.

هان کانگ ما را به یازدانشی در مفاهیم آشنایی چون زبان، هویت و پیوند انسان با هنر دعوت می کند.اواز سادگی و روزمرگی شروع کرده است و خواننده را آرام آرام به ژرفای وجود انسان می برد. جایی که کلمات، سکوت و تصاویر -در کنار- هم- معنایی تازه می سازند.

«درس های یونانی»، نوشته هان کانگ، ترجمه فریبا عرب زاده، نشر لگا، ۱۷۷ صفحه، ۲۷۰ هزار تومان.

منبع: وبگاه ناشر

یک تصحیح تازه از یک متن کهن انتشار یافت منوچهری از نمایی دیگر

تصحیح تازه ای از دیوان منوچهری دامغانی به بازار آمد. دیوان منوچهری دامغانی از مهم ترین آثار منظوم فارسی در قرن پنجم هجری است. تصحیح راضیه آبادیان پس از بررسی حدود هشتاد دست نویس، براساس شش دست نویس اصلی و شش دست نویس فرعی و با استفاده از ده ها جُنگ و جُنگ واره، به انجام رسیده است.

کوشش مصحح برآن بوده که با حفظ صورت اصیل ابیات و کنار نهادن صورت های آسان شده نسخ متأخر برای نخستین بار چایی منقح و تصحیحی علمی و انتقادی از دیوان منوچهری به دست دهد.

در مقدمه، به شرح حال سراینده، معرفی ممدوحان و مسائل مربوط به تصحیح متن پرداخته شده و، در تعلیقات، شرح دشواری های ابیات وتوضیح درباره جای ها،کسان، ممدوحان و سال سرایش اشعار و یاره ای از نکات مربوط به تصحیح ابیات آمده است.

«دیوان منوچهری دامغانی»، به تصحیح و تعلیق راضیه آبادیان، انتشار بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، با همکاری انتشارات، «سخن»، ۱۱۰۷ صفحه، یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان.

منبع: وبگاه ناشر

شهریار

۳شنبه
۲بهمن ۱۴۰۳
۲۰ رجب ۱۴۴۴
شماره ۱۰۰۰



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

کشیدندشان خسته^[۱]وابسته خوار

به جان خواستند آن زمان زینهار^[۲]

که ما را مکش تا یکی نوهر

بیاموزنیمت که آید به پر^[۳]

گی^[۴]نامور دادشان زینهار

بدان تا نهانی کنند آشکار

چو آزادشان شد سر از بند اوی

بجستند ناچار پیوند^[۵]اوی

۱- خسته: زخمی.

۲- زینهار: امان.

۳- آید به پر: بار بدهد.

۴- کی: پادشاه بزرگ.

۵- پیوند: علاقه، اتحاد، دوستی.

۶- خسرو: پادشاه.

۷- بفروختند: فروزان ساختند، روشن کردند.

نمایش کودکانه

پژوهشگران ادبیات کودک درباره یادگیری نقالی در سن کم چه می گویند؟

محبوبه عظیم زاده

نقالی را انگار باید در همان دوره خودش ببینیم، در همان دوره ای که گوش تاگوش آدم می نشست توی قهوه خانه و صدای جرزگ جرزگ استکان نعلبکی ها و هورت کشیدن جای ها می پیچید توی فضای کوچک آن. همان دوره ای که نقال، پرده خوش رنگ ولعاب و پر از قصه اش را می زد تخت دیوار و با لباس مخصوص و چوب دستی اش می ایستاد کنار آن و شروع می کرد به نقل گفتن. خدا و خرد را ستایش می کرد و بعد اسم ها را قطار می کرد؛ از ضحاک و فریدون و کاوه آهنگر می گفت، یا از زال و سیمرغ و رودابه، از رستم و هفت خان‌ش، یا از دوازده رخ، اکوان دیو، بیژن و منیژه، و در آن میان از خوی پهلوانی هم می گفت و درس فتوت و جوانمردی می داد. با صدایی بلند و غراولحنی حماسی و باشکوه که خون رگ ملی گرایِ آدم را به جوش و خروش می آورد. نقالی انگار توی همان دوره مانده. هرچند این روزها، توی همایش ها و مناسبت های مختلف ادبی، نقالان کوچک، که تعدادشان کم هم نیست، همچنان مُصر و با عشق و علاقه همان شاملیل رانشان می دهند. مخاطب امروز به نظرمی رسداز «شاهنامه» و فردوسی چیزی بیشتر از این طلب می کند؛ چیزی بیشتر از بیان صرف بیت ها پشت سرهم که گاهی اوقات با حرکت های بدنی هم آمیخته می شود.

- نقالی کار کودکان نیست

اما چرا جذابیت ولذت این هنر را بیشتر باید در همان زمان قدیم جست و جو کرد؟ به نظر می رسد نقالی، هرچند به عنوان یک هنر سنتی بسیار ارزشمند است و باید همچون یک میراث ملی حفظ شود، چه ازبابت میزان جذب مخاطب و چه ازبابت تعداد افرادی که تمایل دارند وارث این هنر باشند. در گذر زمان دچار زوال شده است؛ نه نقالی مثل قبل تماشاگر دارد و نه هستند کسانی که مثل قبل تمایل داشته باشند با تکیه به یک چوب دستی و یک پرده داستان برای جماعتی نقل بگویند. حتی پژوهشگران ادبیات حماسی معتقدند نقالی اصلا هنر مناسبی برای آموزش در سنین پایین و دوران کودکی نیست. المیرا حسن زاده، دکتري ادبیات حماسی و مدرس «شاهنامه»، که در گفت وگویی که به تازگی با «شهرآرا» داشت، گفته بود که آموزش هنر نقالی به کودکان زیر دوازده سال را توصیه نمی کند.

مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده کودک ونوجوان، نیز در کتاب کار «آموزش شاهنامه به کودکان»، که به همت معصومه موسویان فراهم آمده است- می گوید: «من با دو رویکرد درخصوص مأنوس کردن کودکان و نوجوانان با فردوسی و «شاهنامه» موافق نیستم؛ یکی حفظ کردن 'شاهنامه' است. کودک اشعار 'شاهنامه' را حفظ می کند، چون تشویق والدین و اطرافیان را دوست دارد، اما مفهوم ابیات را درک نمی کند؛ و این لذت ادبیات را از کودک می گیرد. من با هر نوع حفظ کردن که به دور از درک و حظ ادبی باشد مخالف هستم. دیگری نقالی

'شاهنامه' توسط کودکان است، چراکه نقالی یک صنعت نمایشی و تئاتری است که در قهوه خانه ها برای تفریح اجرا می شد و مختص به 'شاهنامه' نبود و حماسه های دیگری نیز پرده خوانی و نقالی می شد. در این سبک نیز کودک مفهوم واقعی داستان را با آن عظمت اساطیری و تاریخی درک نمی کند و تنها به تشویق دیگران خرسند است.» و در ادامه می گوید: 'بگذارید کودک بچگی کند! بگذارید بچه ها قصه های 'شاهنامه' را بازی کنند و با عروسک ها نمایش آن را اجرا کنند!'

دشواری در درست خواندن و حفظ کردن ابیات و درک معنای درست آن ها، و انفعال در روپارویی با متن داستان از جمله ادله ای است که در مخالفت با نقالی کودکان بیان می شود؛ همچنین، گفته می شود که روش های آموزش سنتی، به جهت آنکه در آن ها بر محوریت معلم، کمیت و حافظه تأکید می شود، و عناصر لذت، کیفیت یادگیری و ارتقای توانمندی های شناختی در آن ها کم رنگ است، چندان کارآمد نیستند.* (صدالبته که این به معنای بیچیدن یک نسخه همگانی نیست؛ نقالی، چنان هنرهای دیگر از قبیل موسیقی، نقاشی، تئاتر و خوش نویسی، می تواند موضوع علاقه ای فردی باشد برای آموختن و بیگیری.)

- بچه ها جور دیگری با فردوسی تا می کنند

اما، اگر هنر نقالی را به عنوان یکی از روش های سنتی آموزش 'شاهنامه' کنار بگذاریم، می توان ادعا کرد

نِشِتن به خسر و^[۶]بیاموختند دلش را چو خورشید بفروختند^[۷]



مشهد، دیار فردوسی، همیشه سعی کرده تا دینش را به این شاعر و اثر ارزشمندش ادا کند؛ نقالی یا ترکیب بازی ونمایش با داستان های 'شاهنامه'، کاری است در این راستا که در مناسبت های مختلف در شهرمان شاهدش هستیم. همین چند وقت پیش بود که دوتا از کافه های شهر، یعنی «اهالی» و «حوالی»، در دو موقعیت مکانی کهن از بافت قدیمی و هویتی شهر، میزبان نقالان کوچکی بودند که هرکدام قصه ای از 'شاهنامه' را برداشته بودند تا برای مخاطبان و دوستداران نقالی کنند. البته در این محافل اولین چیزی که به چشم می خورد جای خالی مخاطبان بود، جای خالی و سکوتی که یک صدای کودکانه ناگهان آن را می شکست. نه گوش تاگوش آدم نشسته بود و نه صدای جرزگ جرزگ استکان نعلبکی ها به گوش می رسید، اما نقالان کوچک، با لباس هایی سرتاسر سپید که منقش بوده به نماد های ایرانی و تصویر رستم و رخس و شمایل خود فردوسی، ایبانی از 'شاهنامه' را بازگو می کردند. نقالانی که، باهمه تفاسیر له و علیه یادگیری 'شاهنامه' به صورت نقالی در سن کم، مثل یک نقطه روشن در دل تاریکی می درخشیدند، نقطه روشنی که نور خود را از هم جواری با ادبیات و کتاب و کلمه می گیرد و نوید روزهای نورانی تر و درخشان تری می دهد.

*المیرا حسن زاده و محمد جعفر یاحقی (۱۴۰۱)، «طراحی روشی خلاق برای آموزش شاهنامه به کودکان»، در، جستارهای نوین ادبی، ۵۱-۲۹ (۳)، ۵۵.

جمله‌ای به تمام زبان‌های دنیا



مهدی هوسینی

تعریف ماجرای می کند از دوران سرپازی، زمانی که طی بمبارانی هولناک او و یکی از سربازان جبهه مقابل در یک گودال گیر می افتند، و یکی از فراموش نشدنی ترین صحنه های ادبیات شکل می گیرد. ماجرا به نحوی پیش می رود که اثری ماندگار و عمیق هم روی خود راوی می گذارد. کاش حجم این روایت را می شد به حد یک بند تقلیل داد تا اینجا برایتان می نوشتمش!

اما، به جز موقعیت های داستانی که شخصیت ها را به چالش بکشند یا آن ها را وادار کنند که بر سر درواهی ها تصمیم های حیاتی بگیرند، می توان از عنصری دیگر هم اسم برد: تازگی و نوآوری. این یکی به صدای رعد می ماند. نوآوری در دنیای هنر و ادبیات به سرعت فراگیر می شود و همه از آن استقبال می کنند. یک اثر باید بتواند برای مخاطب، آشنا و لحظاتی تکان دهنده و غافلگیرکننده بسازد. اکثر آثاری که در اینجا از آن ها اسم بردم عناصر آشناپنداری و آشنازدایی را هم زمان

دارند، و چه چیزی بهتر از جمع این اضداد برای

مقبول افتادن در پیشگاه مخاطبان؟! و اما محتوا. کسی که حرفی برای گفتن نداشته باشد با دیگران درباره چه چیزی حرف می زند؟ نویسنده و هنرمند باید حرفی برای گفتن داشته باشد. دغدغه ای که همدردی و همفکری را در مخاطبان تحریک کند، از عواطف بااندیشه هایی صحبت کند که آدم ها را وادارد که یک لحظه توقف کنند و تأملی عمیق روی آن حرف ها داشته باشند، لحظاتی که مخاطب را به این فکر بیندازد که اگر من جای این شخصیت بودم چه می کردم، چه تصمیمی می گرفتم، مردم درباره من چه می گفتند، و هر چیزی از این قبیل.

در نهایت، به جای کپی برداری از ادبیات فلان بخش از آمریکا می توان به راحتی محلی وبومی بود و همچنان برای همه مردم دنیا قصه های جذاب از آدم های خیره کننده تعریف کرد و با آن ها از اندیشه های ناب حرف زد.

با احترام عمیق و رشک فراوان به جرج آر. آر مارتین که نغمه یخ و آتش دنیایی را مهیوت کرده است.

